

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد
۱۰ دسمبر ۲۰۲۴

سوریه پسا اسد

سرعت حوادث و اتفاقات، حرف وحدیث و جابه جایی‌ها در مورد منطقه خاورمیانه زیاد است. چند روزی از تحرکات سازماندهی شده توسط مخالفان نگذشته بود که نیروی موتورسوار در برابر ارتش چندین ساله اسد «پیروز» شده است. در پرتو چنین رویداد غیرمعمول، سوالات متفاوتی مطرح است که چگونه ارتش اسد از پس «بهار عربی» برآمد، ولی بدون مقاومت و کمترین درگیری با مخالفان نتوانسته است کشورش را سرپا نگه دارد؟ چه معادلات و توافقاتی در پشت پرده صورت گرفته است که موقعیت سوریه اینگونه رقم خورده است؟ و مهمتر از موارد فوق، سوریه به کدام سمت‌وسو خواهد رفت؟

تغییر و تحولات چندین دهه در منطقه خاورمیانه و آن‌هم در زمانی بسیار کوتاه [حتی ۱۱ روزه در سوریه] نکته غیرمنتظره‌ای نیست. نشانه‌های جابه جایی و برافراشتن پرچم دسته‌های مسلح وابسته به قدرت‌های بین‌المللی و دولت‌های ذی‌ربط، بخش‌های متفاوت جهان را احاطه کرده است و اسد مانند ده‌ها دیکتاتور دیگر در اثر محاسبات و توافقات سیاسی حاکمان بزرگ و دولت‌های بازیگر منطقه‌ای به زیر کشیده شده‌اند تا از قبل آن، سیاست کلان‌تری را در عرصه جهانی و منطقه به‌پیش ببرند. به بهانه برقراری دموکراسی، تعرض تازه‌تری را سازمان داده و می‌دهند تا دموکراسی تعریف‌شده خود را به جامعه و مردم تحمیل کنند. شباهت‌های زیادی در گوشه و کنار منطقه خاورمیانه، در افریقا و دیگر مناطق تحت سیطره قدرت‌مداران بزرگ و دولت‌های فاسد و زورگو وجود دارد که برنامه‌ها و نقشه‌ها، علی‌رغم ادعاهایشان، محدود کردن دامنه دموکراسی و تخطئه اعتراضات و مبارزات رادیکال مردم علیه سلطه‌گران طبقه سرمایه‌داری است.

علاوه بر این‌ها نمونه‌ای سالم از دموکراسی مدنظر تغییردهندگان نظام‌های فعلی نیست. در عوض دیده‌شده است که طناب دموکراسی بیش‌ازپیش سفت‌تر شده است و زندگی مردم در عرصه‌های مختلف رو به وخامت بیشتری رفته است. برآستی، واژه امنیت و آسایش دهه‌هاست که فاقد اعتبار و بار سیاسی است و نیروها و دسته‌های مسلح ارتجاعی در هر کوچه و پس‌کوچه‌ای لانه کرده‌اند و جان هزاران انسان بیگانه و مخالف با سیاست‌های عقب‌افتاده‌شان را می‌گیرند تا سهم بیشتری ببرند. بی‌علت نیست که مخالفت‌ها و اعتراضات نسبت به نابسامانی‌های موجود و نسبت به وجود زورگویان و قداربندان به بالاترین مرحله رسیده است.

منظور این که مکانی در منطقه خاورمیانه نیست که در آن مردم تنفر و انزجار خود را به بنیان وضعیت کنونی نشان ندهند. دست‌اندرکاران جهانی و دولت‌های منطقه می‌دانند که عدم کنترل طغیان‌های رادیکال مردمی نسبت به سیاست‌های جامعه جهانی به‌خودی‌خود، بساط‌شان را در هم خواهد ریخت و برنامه‌هایشان را با مشکلات جدی مواجه خواهد ساخت. بر همین اساس می‌کوشند تا با سازماندهی دار و دسته‌های ارتجاعی، جنبش‌ها و اعتراضات رادیکال احتمالی را به جهت منافع و سیاست‌های امپریالیستی در منطقه خاورمیانه سوق دهند که تازه‌ترین آن، هیأت تحریر شام [در لباس تازه و تعریف به‌روز] است. دسته ارتجاعی که نام آن پیش‌تر توسط بنیان‌گذارانش، از زمره نیروهای «تروریستی» نوشته شده است!

به‌عبارت‌دیگر، مردم سوریه با حکومتی از خاندان ۵۰ ساله‌ای روبه‌رو بودند که جز بدبختی و نکبت، آوارگی، غارت ثروت‌های جامعه، دستگیری و شکنجه وحشیانه مبارزان و مخالفان به ارمغان نیاورده است. اسد مانند دیگر دیکتاتورهای ساقط‌شده و بازمانده، وظیفه‌ای جز پیشبرد سیاست‌های جناح‌های متفاوت امپریالیستی و بازی در میدان‌های تعیین‌شده نداشت و ندارد. شک نیست که تنفر میلیون‌ها انسان دردمند از جانیانی همچون اسد غیرقابل‌تصور است و فراموش نشده است که چگونه صدها کودک، جوان، زن و مرد را به دلیل مخالفت مورد آزار و اذیت قرار داده و به مرگ محکوم کرده است. همچنین شک نیست که انتخاب چنین سیاست‌هایی از سوی رژیم‌های سراپا وابسته و سرمایه‌داری موضوعی رایج و معمولی است، ولی جدا از آنچه اسد به سر میلیون‌ها توده ستمدیده سوریه آورده، سؤال این است که آیا جشن و پایکوبی مردم از رفتن اسد درازمدت خواهد بود و طعم آزادی‌های مدنظر بعد از اسد را خواهند چشید؟ و آینده و چشم‌انداز سوریه چه خواهد شد؟

همان‌گونه که در بالا آمده است، مواردی نیست که مردم در اثر جابه‌جایی قدرت توسط سازماندهندگان اصلی دنیای کنونی، از دموکراسی وسیع‌تر، آسایش مناسب‌تر، حقوق بیشتر و فارغ از آوارگی و جنگ‌های دسته‌های مختلف وابسته به آنان برخوردار شده باشند. پس خلاف برخی نظرات مبنی بر این که واکاوی از آینده سوریه زود است، باید گفت واگویی سمت‌وسو بر اساس تجارب پیشین و جاری در منطقه خاورمیانه [به‌ویژه در سوریه] نمی‌تواند چندان دشوار و نامعلوم به نظر آید. آیا به‌غیر از این است که به خرابی‌های بعد از ساقط شدن دیکتاتورها افزوده شده است؟ آیا به‌غیر از این است که به میزان آوارگی و بدبختی اضافه شده است؟ آیا به‌غیر از این است که تعداد زخمی‌ها و کشته‌ها در اثر تداوم و شعله‌ورتر شدن جنگ‌ها بیشتر شده است و خلاصه آیا به‌غیر از این است که ناامنی در ابعادی غیرقابل‌تصور بالا رفته است؟ از این‌رو به‌آسانی می‌توان گفت که جامعه سوریه از ثبات نسبی دور خواهد شد و مانند دیگر جوامع تعویض شده توسط قدرت‌مداران بین‌المللی و بازیگران منطقه‌ای، مسیر به‌مراتب مخرب‌تر و دردناک‌تری را در پیش خواهد گرفت. نیاز به زمان زیادی برای درک آینده سوریه نیست، زیرا تجربه‌ها [اوضاع کنونی سوریه] یکی پس از دیگری در برابر چشمان میلیون‌ها انسان دردمند رژه می‌روند که سناریوی تکراری براندازی دیکتاتورها، ده‌ها دیکتاتور دیگر را به بهانه تغییرات مثبت به وجود آورده است که مجالی برای میلیون‌ها انسان زحمت‌کش و محروم باقی نگذاشته‌اند. در یک کلام، جامعه سوریه از چاهک به چاه بسیار گنده‌تری گرفتار شده است که بیرون آمدن از آن بسیار دشوار است.

در حقیقت، روزگار و دنیای ناامن و خشنی را قدرت‌مداران بین‌المللی، دولت‌های منطقه خاورمیانه و دسته‌های ارتجاعی وابسته به آن‌ها برای میلیون‌ها انسان ستمدیده رقم زده‌اند که توضیح و تشریح کامل آن ناممکن است. جانیان بشریت سیاست را به بازی شطرنج تنزل داده‌اند تا پیروزی مدنظر خود را به جهان و مردم بی‌گناه اعلام کنند. جنگ‌های مطابق با منافع خود را بیش‌ازپیش قوی‌تر کرده و می‌کنند تا سهم بیشتری ببرند. دسته‌های ارتجاعی را به جان مردم می‌اندازند تا جناح‌های رقیب را از صحنه جامعه دور کنند. پیشاپیش یار و یارکشی برای اعمال سیاست کلان خود

به رقیبان شکل گرفته است و گام‌به‌گام در پی اعمال قدرت در بخش‌های متفاوت سوریه و تحقق سیاست «خاورمیانه بزرگ» به شکل و شمایل دهه ۹۰ بالکان، زیر پوشش جنگ‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی هستند. سرانجام سوریه پس از اسد، به سوریه بی‌نظمی در سیاست، سوریه جنگ‌های بی‌مایه و بی‌مصرف برای مردم، و سوریه ناامنی بیش‌ازپیش برای ستمدیدگان تبدیل خواهد شد. این‌ها اوضاعی است که متأسفانه در برابر توده‌های ستمدیده منطقه خاورمیانه و به‌ویژه مردم دردمند سوریه قرار خواهد گرفت و نهنها ابعاد آن به سوریه ختم نخواهد شد بلکه در میدان و بر فضای دیگر جوامع منطقه سنگینی خواهد کرد.

چکیده زبان‌دیدگان اصلی مردم هستند، زیرا سازماندهندگان و بازیگران وضعیت کنونی کمترین پیوستگی و وابستگی به مردم ندارند. آمده‌اند تا از خانه پر از ثروت، سهم بیشتری ببرند، آمده‌اند جناح‌های رقیب را پس زنند و قدرت خود را به نمایش بگذارند. هیچ‌یک از آن‌ها علی‌رغم گزافه‌گویی‌هایشان، طرف مردم و در فکر رشد و بالندگی جامعه نیستند. یگانه راه علاج از وضعیت کنونی، برآمدن سازمان و نیرویی متضاد با سازمان و نیروهای همراه با سیاست‌های امپریالیستی در منطقه خاورمیانه است؛ نشانه‌ای که شوربختانه در هیچ‌یک از کشورهای خاورمیانه به‌طور سازمان‌یافته در برابر جنایت‌کاری‌های دشمنان کارگران و زحمت‌کشان قابل‌رویت نیست.

۹ دسمبر ۱۹/۲۰۲۴ آنر-قوس- ۱۴۰۳